



امتحانات متمرکز تکمیلی نیمسال دوم ۱۴۰۰-۱۳۹۹

رشته تفسیر، تاریخ، اخلاق، ادبیات عرب، مشاوره، تربیت دینی

ساعت کلاسی: ۱۰۰ صبح / نمره: ۱۴ / مدت پانچون: ۶۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

مهر مدرسه

کد امتحان:	۳۴۰۰۲/۰۵
تاریخ آزمون:	۱۴۰۰/۰۴/۰۶
عنوان:	اصول فقه ۲
کتاب:	اصول فقه مظفر
محدوده:	ج ۱ و ۲: از ابتدای عام و خاص تا پایان مجمل و مبین (ص ۲۵۶-۱۸۹)
حذفیات:	ندارد

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلکبی: مدرس علی: شهرستان: استان:

۰/۵

۱- استعمال عام در موارد تخصیص چگونه است؟ ص ۱۹۶

- الف. حقیقه فی المخصص المنفصل و مجاز فی المتصل
- ب. حقیقه فی المخصص المتصل و مجاز فی المنفصل
- ج. حقیقه مطلقاً
- د. مجاز مطلقاً

۰/۵

۲- اگر شک کنیم مراد از «ابن سنان»، عبدالله بن سنان است یا محمد بن سنان، چه شبهه‌ای وجود دارد؟ ص ۲۰۰

- الف. شبهه مفهومی بین اقل و اکثر
- ب. شبهه مفهومی بین متباینین
- ج. شبهه موضوعیه
- د. شبهه مصداقیه

۰/۵

۳- به نظر مصنف در بحث: «تعقیب الإستثناء لجمل متعدده» در فرض «تکرر ذکر الموضوع لكل جمله»، استثناء مربوط به چیست؟ ص ۲۱۳

- الف. همه جملات
- ب. مجمل است.
- ج. جمله آخر
- د. جمله اول

۰/۵

۴- در باب تخصیص کتاب به وسیله خبر کدام گزینه صحیح است؟ ص ۲۱۶

- الف. تخصیص ظواهر کتاب به خبر واحد صحیح نیست.
- ب. تخصیص جایز است حتی اگر خبر متواتر نباشد.
- ج. تخصیص کتاب به خبر واحد صحیح نیست.
- د. شرط جواز تخصیص، تواتر خبر است.

۰/۵

۵. موضوع له اسم جنس چیست؟ ص ۲۳۷

- الف. ذات ماهیت به نحو لاشروط قسمی
- ب. ذات ماهیت به نحو ماهیت مهمله
- ج. ماهیت مقید به اعتبار لاشروط
- د. ماهیت لاشروط مقسمی

۰/۵

۶- در عبارت: «لا صلاة لجار المسجد إلا فی المسجد» چه چیزی نفی شده است؟ ص ۲۵۲

- الف. ماهیت صلاة ضمن حقیقی بودن استعمال صلاة
- ب. ماهیت صلاة ضمن مجازی بودن استعمال صلاة
- ج. خبر مقدر حرف نفی
- د. صفت مقدر صلاة

۷- برخی ادعا کرده‌اند جمع محلی به لام بر عموم افرادی دلالت نمی‌کند. این ادعا را همراه پاسخ آن تبیین کنید. ص ۱۹۲

جواب: ادعا این است که صیغه جمع بر جماعت دلالت می‌کند؛ پس جمع محلی به لام مفید عموم نسبت به جماعت است نه افراد. یعنی موضوع حکم، تک تک جماعت‌ها و جمع‌ها هستند نه تک تک فردها. (نمره) پاسخ آن است که جمع از جانب قلت محدود است (حداقل جمع ۳ است) ولی از جانب کثرت محدود نیست و تعینی ندارد. پس هر تعدادی بیش از سه فرد را در نظر بگیریم مرتبه‌ای از جمع است غیر از مرتبه دیگر با تعداد متفاوت؛ بنابر این استغراق همه مراتب، به این محقق می‌شود که همه افراد با هم فرض شوند و به عبارت دیگر، معنای استغراق جمع، عدم توقف بر عدد خاصی در جمع است؛ پس باید بالاترین مرتبه را در نظر گرفت. (نمره)

۸- با توجه به عبارت: «فی مسألة جواز التمسک بالعام فی الشبهة المصدقية إذا كان المخصص لیباً ذهب صاحب الکفاية الی التفصیل بین ما إذا كان المخصص اللبی مما یصح أن یتکل المتکلم فی بیان مراده و بین ما إذا لم یکن کذلک.» به سؤالات ذیل پاسخ دهید:

الف. مراد از مخصص لبی چیست؟ یک مثال بزنید.

ب. مسأله را همراه نظر صاحب کفایه توضیح دهید. ص ۲۰۴

جواب: الف. مخصص لبی در مقابل مخصص لفظی است. مانند اجماع و دلیل عقلی (یک مثال کافی است). (۰/۵ نمره)

ب. مسأله فوق این است که اگر عام، مخصص لبی داشت ولی این مخصص مبتلا به شبهه مصداقیه بود می‌توان نسبت به موارد مشکوک به عام تمسک نموده و احکام عام را در مورد آن‌ها جاری نمود یا خیر؟

مختار صاحب کفایه این است که اگر مخصص لبی به گونه‌ای باشد که متکلم بتواند در مقام بیان مرادش به آن اعتماد نماید (مخصص عقلی ضروری باشد) در این صورت نسبت به موارد مشکوک نمی‌توان به عام تمسک کرد و الا می‌توان به عام تمسک نمود. (۱/۵ نمره)

۹- الف) توضیح دهید اطلاق در جمله: «به پدرت احترام بگذار» چگونه اطلاق است؟

ب) در جمله: «با همه مؤمنین خوش اخلاق باش» با آنکه عام است چگونه می‌توان اطلاق را فرض کرد؟ ص ۲۲۵

جواب: الف) اطلاق احوالی است؛ یعنی گرچه «پدرت» تعدد ندارد، لکن حالات متعدد دارد و چون مقید نشده است و امر برای حالت خاصی از پدر صادر نشده، پس شامل همه حالات پدر می‌شود. (نمره)

ب) مؤمنین جمع و دارای افراد متعدد هستند و عموم به لحاظ همین تعداد افراد است. اما هر فرد حالات متعدد دارد و قیدی وجود ندارد که اکرام مؤمنین را مقید به وجود حالت خاصی در آنان کند؛ پس اطلاق احوالی دارند. (نمره)

۱۰- با توجه به عبارت: «قد یتشکل بأن اعتبارات الثلاث للماهية کلها اعتبارات ذهنية فلو تقيدت الماهية بأحدها عند ما تؤخذ موضوعاً للحکم، لزم أن یکون جميع القضايا ذهنية» اشکال مطرح شده در عبارت را همراه جواب آن بنویسید. ص ۲۳۳

جواب: اشکال: اعتبارات سه‌گانه ماهیت، همگی اعتبارات ذهنی هستند و اگر ماهیتی که موضوع حکم قرار می‌گیرد به یکی از اینها مقید شود، همه قضایای شرعی ذهنی خواهند شد.

پاسخ اشکال: این اشکال در صورتی درست است که موضوع در احکام شرعی به گونه‌ای لحاظ شود که «اعتبار» قید موضوع باشد یا خود اعتبار موضوع احکام باشد در حالی که موضوع احکام شرعی ذات ماهیت است و این عبارات ثلاثه تنها مصحح موضوعیت موضوع است.

۱۱- انواع انصراف را توضیح دهید و بگویید کدام یک و به چه دلیل موجب تقييد می‌شود و کدام یک موجب تقييد نمی‌شود. ص ۲۴۲

جواب: انصراف گاهی ناشی از ظهور لفظ در مقید است؛ به دلیل کثرت استعمال لفظ در مقید و شیوع اراده مقید از لفظ؛ لذا ذهن با شنیدن مطلق بر اثر انس ذهنی پی به مقید می‌برد. و گاهی انصراف ناشی از ظهور لفظ در مقید نیست؛ بلکه از کثرت ارتباط ما با حصه‌ای از ماهیت یا غلبه وجود یک فرد ناشی می‌شود. (رساندن مفهوم کافی است) (نمره)

در صورت اول چون از قبیل ظهور لفظ است و ظواهر حجتند، انصراف حجت می‌باشد. در صورت دوم چون انصراف به دلالت لفظ مربوط نمی‌شود حجت نیست. (نمره)

۱۲- چهار مورد از اسباب اجمال لفظ را بیان کنید. ص ۲۴۹ و ۲۵۰

جواب: ۱. اشتراک یک لفظ برای چند معنا. ۲. تعدد معانی مجازی. ۳. عدم شناخت مرجع ضمیر. ۴. اختلال ترکیب. ۵. وجود چیزی که صلاحیت قرینه دارد. ۶. در مقام اجمال یا اهمال بودن متکلم. (ذکر چهار مورد کافی است).